



## در سوگ فوت شدن یک معنویت بزرگ

روز چهار شنبه تاریخ دوم ماه سپتمبر سال جاری به ساعت دوازده قبل از ظهر؛ انسانی از سلاله معرفت و علم، ادب و اخلاق، نجابت و پاکیزه گی و انضباط و دسپلین در حالی که همه دست های کمک از جمله دستان متخصصین معالجش برای نجات او از کارایی بازماندند، اعضای خانواده اش را تنها گذاشته به ابدیت پیوست. آری، او که سیلی از اشک را در چشمان دوستانش جاری ساخته و تمامی دوستدارانش را در ماتم نشانده؛ دگروال محمد اسلم "میران" پسر محمد امین خان بود.

محمد اسلم میران در سال ۱۹۴۳ در قریه لمتک ولایت لغمان چشم به دنیا گشود و بعد از اتمام آموزش دوره ابتدائی روانه مکتب لیسه حربیه شد. وی درست در همان آغاز زندگی کودکانه خویش از مهر پدر محروم گردیده و بعداً از آن تربیت او مستقیماً بر دوش محترمه مادر مهربان و برادر بزرگش افتاد که او نیز مصروف آموزش در مکتب حربیه بود.

لیاقت، پشتکار، اخلاق نیک، روحیه ازاد منشی و استقلال فکری که از ویژگی های اساسی شخصیت وی بود؛ او را در بین هم صنفانش الگو ساخته بود. چنانچه دوره شاق و پر از آزمون تحصیل را که در چنان وضعیت و جایگاهی کار آسانی نبود؛ با لیاقت، با نهایت استواری و همت بالا و با اخذ نمرات بلند و مدال های افتخار پشت سر گذاشت. ایشان بعد از ختم دوره لیسه؛ بخاطر ادامه تحصیلات بالاتر شامل حربی پوهنتون گردید. محترم محمد اسلم "میران" در این دوره نیز از خود لیاقت و پیگیری نشان داده و تحصیلات خود را با اخذ نمرات بلند و مدال های افتخار به پایان رسانید. نامبرده که همیشه از جمله

شاگردان لایق صنف خود بود؛ در کادر علمی حربی پوهنتون به حیث استاد قبول گردیده و چند سالی را هم در همان وظیفه به خدمت جوانان اردوی وطن سپری نمود. وی آن وظیفه را نیز با درایت، کاردانی، لیاقت و حب انسان و انسانیت، با دانش اکادمیک و مسلکی اش در رشته استحکام و انجینیری؛ با نظم و دسپلین نظامی با حب وطن و عشق سرشار به استقلال ملی واقعی، عدالت اجتماعی و آزادی مردم

رنجیده افغانستان از همقطاران خود عقب نماند. هکذا، ایشان بخاطر گرفتن تخصص در رشته انجینیری اولاً به کشور هندوستان و بعداً به شوروی سابق اعزام شد.

محترم "میران" پس از اتمام آن دوره های آموزشی؛ دو باره به وطن برگشته و به همان وظیفه استادی در حربی پوهنتون کار خود را ادامه داد. وی هم چنان تا دوره تقاعد؛ سالیان درازی را به خدمت مقدس نظامی در قطعات اردوی افغانستان به ویژه از طریق ریاست انجینیری استحکام و به صفت معاون آن اداره در خدمت انسان های هموطن خود قرار داشت.

مرحوم دگروال اسلم خان بعد از گرفتن تقاعد به کار در همان رشته خودش با ارگان مربوط ملل متحد به خاطر پاک کردن ماین های جابجا شده توسط ارتش اشغالگر روس در کشورش پرداخت که بعداً در همان راستا و به مقصد کمک، به کشور های فقیر افریقای گماشته شد. در آن وظیفه نیز وی با انگیزه خدمت به خلق های کشور های افریقای و خدمت جدی به

انسان های مظلوم آن دیار جنگ زده مثل کشور خودش به کار و پیکار خستگی ناپذیر ادامه داد. چنانچه موصوف در جریان

دروس ماین روبی که زیر نظر مقامات "سازمان ملل متحد" قرار داشت؛ به اثر انفجار تصادفی یک ماین در کف دستش؛

بر علاوه برداشتن زخم در نواحی روی و پا؛ سه انگشت خود را نیز از دست داد.

البته به اضافه لیاقت و کاردانی، یکی از صفات نیک این انسان بزرگ هم استقلال فکری اش بود که جوهری ترین و بارز ترین ویژگی شخصیت وی را تشکیل می داد. ویژگی هائی که او را در بین هم مسلکان و هم قطارانش منحصیث یک افسر مجرب، با دسپلین، کاردان، مبتکر، شجاع، سرشار از عشق به کار و علاقه به آبادانی کشور معرفی می داشت. وی که با بیزاری از قوم گرایی، بیگانه بودن با نژاد باوری، ستیزه جویی در مقابل چاپلوسی، جاه طلبی و تابو پرستی، سرشار از علاقه کمک به مردم بود؛ در راه اندازی گفتمان های اکادمیک علمی و فلسفی و بحث های ثمربخش پیرامون جنگ های ازادببخش و مسایل دیگر ملی در بین اقارب و دوستانش زبانزد همگان بود. او در امر خدمت به مردم و اردوی وطن خود تحت هیچ نوع تأثیر دشمنان؛ اعم از چپ مجازی و راست افراطی نرفته و با وصف تبلیغات و پروپاگند های دوامداری بر ضد وی، مثل کوه استوار ماند. مرحوم دگروال اسلم خان میران که بر چهار زبان: فارسی، پشتو، انگلیسی و روسی تسلط داشت؛ بجای بوسیدن دستان دارز شده از بیرون کشور، در همکاری مشترک با همه خلق ها و اقوام زحمتکش و پر افتخار ملت افغانستان همانند نیاکانش با عشق و علاقه به فرهنگ ملی و پیشرفت جامعه منحصیث یک افسر مجرب و آگاه، از فرهنگ مترقی بشری نیز بهره گرفته؛ به خدمت مردم خودش در داخل کشور ادامه داد. او هیچگاهی در پی آن نبود که مثل عده ای چند از ناباوران به مردم و سرزمین اش به نرخ روز نان بخورد و به منافع، حیثیت و آبروی ملت ازاده و در خون نشسته خود پشت کرده باشد.

او که فرهنگ انسانی احترام به حقوق و آزادی های هموعانش اعم از زن و مرد را در کارزار زندگی مشترک از همان آوان طفولیت از یار و دیار زادگاهش آموخته بود، علاقه مفراطی به کار و پیکار مشترک با همه انسانهای سرزمینش داشت.

وی در همه حالات و اوضاع نظامی و در همه وظایف عسکری، به افراد و افسران مادونش خیلی احترام می گذاشت و به هم مسلکان و هم سلکان خویش دست دوستی دراز نموده و پیوند های ماندگار انسانی ایجاد می کرد. بنابر این خود وی نیز در هر مرحله ای از زندگی اش مورد احترام دوستان و همکارانش؛ از هر قوم و تباری، قرار داشت. حتی در بعضی از حالات؛ لیاقت و ابتکارات او موجب توجه و احترام مشاورین خارجی نیز قرار می گرفت.

موصوف بر علاوه اینکه در مسلک نظامی یک افسر هوشیار و بسیار مجرب بود، یک شخصیت مدبر، کاردان و دیپلمات نیز بود. او نتنها یک افسر آگاه و وفادار برای میهن و مردم خود بود بلکه یک پدر خوب برای فرزندانش، یک شوهر خوب برای خانم مهربانش و یک مربی و یاور صمیمی برای نواسه هایش نیز بود. مرگ او نه تنها در واقع ماتم عظیمی را بر فامیل، اقارب و دوستانش مستولی ساخت بلکه از جای خالی همیشگی ایشان فریاد غم انگیز یک ذایعه جبران ناپذیری در حریم طیفی از هم مسلکان وطن دوست وی و اردوی خسته و مجروح کشور میدمد.

روحش شاد و خاطراتش جاویدان باد!

نثار احمد "اتمر"